

کارکنان محترم و گرانقدر پورتال ملی افغان جرمن آنلاین

صفحه نظر خواهی پیرامون نوشته جناب محمد عارف عباسی بطور ناگهانی از بخش نظر خواهی برداشته شده است. قبل برین شما از برداشتن آن صفحه خوانندگان را مطلع می ساختید، خوب امور مملکت خویش خسروان دانند! ولی متأسفانه من نوشته ای در آن باره تهیه نموده بودم که اینک خدمت میفرستم اگر لازم دیدید آنرا در صفحه تحلیلات نشر خواهید کرد. از توجه شما ممنونم. با تجدید ارادت

محترم گرامی ام جناب عباسی !

داکتر عبدالله کیست و کلمات محترم و تغیر را در این جریان چه تقصیر؟ دوست محترم جناب عباسی ! گرچه این نوشته ام نه بسروقت نوشته شما و هم در چوکات نظریات دوستان در مورد نظر و پیشنهاد شما خواهد رسید مگر بنظرم فرقی نخواهد کرد که اگر آن را با همین عنوان ولی منحصی متن و مطلب مستقلی بپذیرند که لطفاً شما از برخورد بعنوان بالا متأثر نشوید و خوب میدانید که شخصاً و فامیلاً شما رامنحصی یک انسان نیک، پاک و صادق و حقجو همیشه محترم می شماریم و بنا بران برای اثبات بحق بودن عنوان کلامم، قبل از همه به آدرس شخص شما اشاره کرده و میخوام بگویم که اینهم یکی از موارد بحق و بالقوه استعمال پسندیده کلمه محترم است که به شما و با شناخت خوب کافی شخص شما باهمان پیشوند محترم اشاره کرده ام. و تذکر دوستانه ام بشما نیز در مورد همین کلمه پاک بنیاد و منزه: محترم است. شما میدانید که این عنوان بزرگ با تمام مفاهیم انسانی آن شایسته نواتیست که بحق مستحق آند و نه آن که جنابات و قساوتها و دزدیهای سر و مال و جان و ناموس ملت و فروش وطن و برده گیش به اغیار عقده دار و شکستی؛ زبان زد خاص و عام و ثبت تاریخ ما و جهان بوده و حتی در همین مرحله اخیر تاریخ تاریک زندگی نکبت بارش؛ بر ریش رأی مردم ما خندیده و با ضرب سنگ چارکی و تقاله های جمعیتی جعبه نی انتخابات و رأی مردمی را (در باطن و خفا به توصیه باداران!) بکلی نا محترمانه و حتی وقیحانه تحریم کند. پس اگر به این چهره مسخ شده محترم خطاب کنیم چرا نتوانیم که خندق دولت خانه محترم و یا تپه بی ننگ های محترم و یا جمعیت محترم خورده فروش خاک و دار و ندار وطن و یا قاتل و جلاد محترم کنوازی ها و مجروحها و غروالها و چنزائیها و میلیونها افغان خونین کفن گمنام بیگناه (رحمت الله علیهم اجمعین) و یا غارتگران محترم سر و مال و جان و ناموس این ملت بی حامی و بی پناه نگوئیم که همین کثافت شریر سر بلند کرده از کثافت بی شمار سرخیلان امروزه؛ همه نا محترم اند و کثافت! البته همه عالم همچو انتخابات را با تمام ماهیتش شناخته و مخصوصاً ملت افغان متوجه بزور افغان سازی ها و یا نشرات گلرنگ مطبوعاتی در مورد رنگ آمیزی کردن چهره های شناخته شده نا افغان و تحمیل شان بر ملت افغان هم هستند؛ که البته این زمستان گذشتی است و محض روسیاهی اش به ذغال میماند!

این عرض نه از تعصبست و نه عقده و نه انزجار از شما دوست ارجمند؛ بلکه برخواسته و برگرفته از تحولات سه دهه زندگی نه! بلکه جان کندن نگبت بار مردم بیدفاع ما و طغیان قصابان تمرین یافته مسلخهای ثور و نزدیک و همسایه هاست که حرص و آز کرسی و ثروت باد آورده بنام جهاد؛ قلب شانرا سنگ و چشم و گوش شان را بکلی منگ ساخته است.

فکر میکنم که اگر در مقامات عدلی ملحوظاتی ما در همین ۸ سال؛ قانون واقعی اسلامی و عدالت عمری و اصالت و منزلت انسان حکمفرما می بود؛ امروز عبدالله مانندها سرتاج انتخابات ملت ما و مداری سرکسهای جهانی نه! بلکه سالها قبل ازین با تصفیه حساب همه آلوده سرشتان بر مبنای حق و عدالت اسلامی و انسانی واقعی؛ جمعیتاً رهسپار جهنم خداوندی و باطله دانی تاریخ این سامان می شدند؟

و نمبر: ۲ - تغیر هم گرچه نومعین است و تحول آور ولی با شناخت بهتری از همچو چهره های بوقلمونی که گذشته رنگین و ننگین خود را به اشکال و روشها و بوت بوسیهای گوناگون دشمنان منافع حتی موجودیت افغانستان با افتخار برملا ساخته اند استعمال کلمه تغیر آنی در مورد نمایش چهره آلوده که بمرور سالیانی و بدتر از ذغال نمایان است؛ بی مفهوم و حتی بیجا تلقی شده میتواند. زیرا از آغاز قدم رنجه کردن به پشاور (۱۳۶۴ شمسی) تا واپسین لحظات همین دلقک بازی های امروزی با رأی ملت افغان و هم تعمیم اوامر بادارانش در طول مدت زمانیکه ملت مجاهد واقعی افغان در برابر قوای متجاوز خون آشام روس مردانه وار میجنگیدند و بعد از آنهم که خودش در مقام

دیشان عشرت کده اش در تنعم و چور ثروت ملي و بازی با عفت دونان خودی غرق بود با تذکرشمة از خروار جرایمیش در برابر افغانیت و اسلام؛ تکراراً و ذیلاً پرده از روی جنایتش برداشته میشود تا بکلی مطمئن گردید که (تغیر آنی) در برابر اعمال سیاه این ذوغالی همیشه بیرنگ است! ولي تغییر مثبت و ایکاش!

عباسی صاحب محترم ارجمند! شما میدانید و اهل دانش و مطالعه هستید که خودم منحصی یک وجیبه ملي و بحضور خدا و بدون داشتن کدام هدف شخصی (که متأسفانه بعضی از پلویان یا حامیان و دوستان شان همیشه آن را کج و شخصی تعبیر میکنند که بمردم تفهیم کنند که ذغال ایشان سفید و حرف من مغرضانه و سیاه!) وقتاً فوقتاً در مورد برملاسازی همچو چهره های پلید که از طریق نوشته ها و چه مصاحبات مستندی سعی کرده ام که با شناختاندن کامل ایشان بعد ازین فریب این دغل دوستان را نخورند - چنانچه در مصاحبه با آن برادر ارجمند و در همچو درد های اجتماعی و ملي بوده ام. که حال نیز با یک تعداد محدود نمونه وی همچو مدارک؛ یکبار دیگر ماسک کذایی این بازچه اغیار را به پیشرویش میاندارم.

چنانچه میگویند که سالیکه نیکوست از بهارش پیداست - چنین استنباط کرده میتوانیم که اگر این طفل از پدرمانده بیچاره افتاده بدامان پاک نیک مردی مانند مرحوم غلام محی الدین خان زمربالی قندهاریی سناتور انتصابی دور سلطنت؛ از آن مرد نیک سیرت ذره میگرفت و بدو منصوب میشد که نشد و دبل بنده برآمد! امروز راه خودش و با نقش در سرنوشت وطن - چنین نمیشد که بنا بر فطرتش چنان کرد! در کابل هرچه بود ولي با رسیدن به پشاور و پا در تلک جنرال حمیدگل و دامان متخصص انگلیس استعماری مشرب نوکرطلب در ظرف یک ونیم سالی بدانجا و لسان دانی مداری بازی رسید که در پنجشیر؛ آمرصاحب دوران را مشاور خاص و قیضه دهن گردید. امور خارجه و مشاوریت نظامی و یک شبه جنرالی و معاونیت دفاعی و جبهه دار افشارکش و مردم تباهی و کابل خرابی و بازرکن معظم امضای قرارداد منحوس معافیت غرامات جنگی مشهود قوای سفاک متجاوز شوروی برفغانستان (خواجه بهوالدین؛ سپتمبر ۱۹۹۷ با جنرال یوری باتونی حامی تا دندان مسلح روس برای دفاع از کشور ۴ ولایتی ربانی) و سفرهای دوردنیای افتخارآمیز یک چشمه در دولت کوران بی زبان؛ که از برکت مربی پشاورى اش؛ درهند هم صاحب ویلا و زندانی برای اهل و بیت رانده از وطن (ولي بنام درامن زیستن!) شد و خودش درکمند! و مرور زمان و جنایات مشهودش در راه تعمیم هدایات دیگران اینست که ولو هر عنوانی بر آن بگذارد - بالاخره هویدا شده میرود و امروزی که جز یک چهره شکست خورده مفلس و بی اعتباری نزد بادرانش نیست؛ چلو صافش یکی بعد از دیگری بر آمده و در مطبوعات ملي ما منعکس میگردد که بدین مناسبت توجه تانرا به ((یک خبر بکلی تازه و جنایت

رسوا و افشا شده وطن فروشی دبل بنده متقلب منتشره تاریخی اول نوامبر ۲۰۰۹ تول افغان در پورتال خبری افغان جرمن آنلاین را (آنهم در قسمت اخیر این متن وجائیکه اخبار و نشرات مستند مغرضین نا بکارحامی این مداری نظاری از نظر شما میگذرد)) معطوف میدارم که واقعبیت عبرت انگیز است! که به واقعبیت از آن آغاز صنم پرستی و تا امروز؛ زناردار و نازبردار حامیان آنجا هم شد. سخن که به نابودی آمرصاحب شهید رسید و جلادان هم سنگرش هم یاورسی آی ای و کی جی بی و ساواک و دالخوران شده و وسیله و راندنش از جهان شدند شمشیر جلادی از خود کشتی را در دامان مراکشیهای قربان شده بیخبر از جهان کردند (که مسعود خلیلی دریوتیوب و آغای اکرم اندیشمند (نظاری و نخارشناس بهتر از همه) درسایت خاوران طی مصاحبه مفصلی با انجنیر عارف سروری (رئیس اسخبارات مسعود و شاهد عینی جریان قتل و فعلاً سناتور!) جریان را بصورت روشن ترسیم کرده و محترم حمید انوری نیز با برداشت از همین اسناد غیر قابل انکار در مقاله تحت عنوان (آخرین روز احمدشاه مسعود) - آنرا بکلی روشن ساخته اند! و آمرصاحب هم آخرین رمق را بر دامان و زانو و بسترشفاخانه نظامی شوروی در فرخار تاجکستان به جان آفرین میسپارد که بالکه های از دل شاکر و راضی ولي در ظاهر اشک ریزان میت آمرصاحب را بعد اعلانات افغانی و جهان (باگذشت چند روز) دوباره از روسها تسلیم گرفته و در پنجشیر استقبال کردند. که باز نوبت آغای گه ری از سی آی ای میرسد و دورسقوط طالبان با بحران ساخته شده مرکز تجارتي نیویارک و پخته شدن کلچه تاشکند! که باز عبدالله گل سرخان و یاور و ترجمان و همکار گه ری جان! که دهن جوال ها باز و سرمایه ها بدوران رسید که قطراتش برجلسه بن هم ریخته و سه پته بازان به یاری جیره خورکلان و همکاری وقی میدان سرخان شدند و با نفس های پلید اختیاردار جان و سر و مال و خاک افغان! که بهمین بهانه طوق لعنتی (قتل آمرخودی) نوبت به چور ثروت ها و چپاول مقامات آبرو ریزان نظاری حتی بر امور خارجه افغانستان دست عبدالله گل) هم رسید که با وجود همه محاسن پار این معجون مرکب بر حیثیت مقام ارجمند و شخصیت های دوران سازش: یک سره خط بطلان کشید شد.

هنوز کرسی بونا کرده بنده های خدا به مسکو و قشقه تازه کردن رسیده و در اعلان کل اختیاری ۶۴۲ پروژه (بشمول نفت و گاز و آهن و مس و طلا و زمرد و لاجورد کلهم اجمعی بشمول پولیس و نظامی را به پوئین جان تقدیم کردند) (آخر فروری ۲۰۰۱) کرسیها به بیلک باد شد و سرحد نمایندگیهای سیاسی (از ۲۸ سفارت به ۵۱ و از ۲ جنرال قونسلگری و ۲ قونسلگری به ۱۶ جنرال قونسلگری رسید!

جناب عباسی! این دبل بنده که گاه سربه آستان استاد دارد و گاه خارج از جعبه؛ بنام مستقل کاندید میشود و باز سنگ چارکی به دُمش آویزان و نالان و گاه به ۱۲ میلیون رشوه آمریکائی اعتراف میکند و گاه قرضدار ۲۰ میلیونی روس و ایران و پاکستان و ملا ربانی و حسین انوری و نور بیشعور ولی البسه از ستارگان ها لیوود. پس محترم بودنش در کجاست؟؟؟

درین ایام است که باز کریملن آهنگ ترکستان میکند و روزنامه تاجک از قول جنرال گراموف (قوماندان شکستی آخرین فرقه ۴۰ طرد شده شوروی از بندرحیرتان!) (فعلاً وَّالی شاروال مسکو) مینویسد که مسکو با حسن نیت کمک های مداوم خود را به افغانستان میفرستد؛ و با حسن نیت به افغانستان بر میگردد و هم دکتور احدی وزیرمالیه را بمسکو دعوت میکنند که در مورد باز پرداخت ۱۱ میلیارد دالر جبران مصارف نظامی شوروی!!!! بعد از ۷ ثور ۱۳۵۷، مفاهمه کنند و بالاخره دولت لبلبو پیوند ما را البته با مشوره های مداوم سه پته بازان برای معافیت از آن تا میتواند همه جارا میمالند که عبدالله گلیها سر بلند شوند ولی نه تنها حق ملت قربان شده ما مفت از دست میروند و بلکه این دلک ۴ همسایه نه تنها از جبران غرامات جنگی که خودش روس را معاف کرده لب تر نمیکنند بلکه از اعاده تمام آثار ذی قیمت آثار موزیم و غنای باستانی چپاول شده ما توسط روس و همچنان چور و انتقال تمام مدارک و اسناد و قراردادهای جهانی افغانستان توسط مشاورین روس در دور کارمل- حرفی بمیان نمی آورد. ذهی بی شخصیتی و وطن فروشی که به داکتر نجیب هم کریدیت می بخشند!!

Farsi.ru لطفاً به سایت فارسی. رو مسکو که الحال هموطنان فروخته شده ما آنرا رونق و اداره میبخشند بنگرید > ۴ می ۲۰۰۸ - ولادیمیر پوتین در جواب ژورنالیستی میگوید: باید بیاد داشته باشیم که روسیه یگانه کشوری بود که از اتحاد شمال سابق حمایت کرده و در راه استواری و ضروریات جنگی شان به صدها میلیون دالر بمصرف (کمک؟) رسانیده است.

۹ جون ۲۰۰۹ - در روز نامه وزگلیاد مسکو - کارشناس مسایل سیاسی یوری کروپنوف مینویسد روسیه باید با افغانستان روابط تازه را برقرار کرده و سالهای مشکل ۹۸۰ را فراموش کند زیرا در حقیقت روسیه به افغانستان نیاز دارد.

۷ نوامبر ۲۰۰۹ - نشست هیأت مدیره شورای تجارت- روسیه- افغانستان برای جلب سرمایه گذاریهای بیشتر به افغانستان و وارد ساختن تکنالوژی عالی و بازسازی آن عده پروژه هائیکه صاحب نظران اتحاد شوروی اسبق در افغانستان اعمار کرده بودند (اینک که کی ویرانش کرد و بی جبران و با لنگر قرضه های نو گران! به عبدالله جان چی؟

۸ می ۲۰۰۸ - ضمیر کابلوف (دیپلمات جسور بی نزاکت و بادار عبد الله گل) در مصاحبه با نیزاویسیمابا گازیتنه میفرماید: زمانیکه نفس امریکا بر آمد ما یکجا با هند و چین کار را به پایان می رسانیم. او میگوید موجودیت شان در قطار دول غربی در افغانستان ضروریست.

۳۱ جنوری ۲۰۰۸ - ایلیه کاریلینسکی تحت عنوان (روسیه نفوذ خود را در آسیای مرکزی افزایش می بخشد) می نویسد: زوبکوف صدر اعظم روسیه خبر داد که اداره نظار مالی روسیه با همه همکاران ذیعلاقه (مقصد از گروپ شانگها یست) در باره ایجاد کمربندهای امنیت مالی به دور آدور افغانستان آماده میباشد و در قسمت دیگری افزود که در راه این همکاری با توافقات چندی با دولت ازبکستان (یابوی قدیم زین کرده) برای دایر کردن پایگاه نظامی در دره فرغانه رسیده اند! آغای زوبکوف " ضرورت تعیین سهم مشخص گروپ تماس سازمان شانگهای در بازسازی اقتصاد افغانستان را تأکید نموده و روسیه قصد دارد بصورت نهایی ابتکار در " افغانستان " را از دست امریکا بگیرد. روسیه همزمان میتواند بصورت واقعی ثبات و امنیت را در سرحدات جنوبی خود با استقرار پایگاه نظامی در دره فرغانه رزبکستان تأمین کند و و و

(که این اشاره بخودی خود بازگشت شوروی و بردگی مکرر همسایه های شمالی ما را که بنام آزاد اند! میرساند و روس آماده به انتقام و تجاوز مجدد به افغانستان و اینست نتایج کشت آمر صاحب شهید و ملا ربانی و هم عبدالله جمبوری مداری!

و البته روسیه مصمم بجبران شکست و روسیاهی و لته لنگی و جیو جیو گوی قصر سفید نشینان و تخریبات شیطان بوکنگم و بردگان نظاری ممکن است سخن را به این حرف ها برساند ورنه چرا آغای بل کلنتون قصر سفید نشین دیروز مزورانه تن به این وقاحت کلام درسی ان ان (۲۰ فروری ۲۰۰۹) بزند که ((اگر بارک اوباما؛ با روسیه همچشمی کند افغانستان به ویتنام وی تبدیل شده میتواند)) - (که اگر این کشور است و این رهبر - روز فردا چه خواهد بود؟؟؟)

حتی معین سیاسی وزارت خارجه روس از آن یکقدم پیشرفته و در کنفرانس اخیر ناتو اظهار داشت که با اطمینان گفته میتوانم که روابط باهمی و مذاکرات و تفاهات ما با امریکا در مورد مسایل منطقه و مخصوصاً افغانستان

بکمال خوبی و همکاری پیش می‌رود! و اینست حد اعلی انتظار وابستگی روس در افغانستان از غلبه کریموف گرفته تا گردن اوستاد عطای نور (به نوشته فارسی). روی چاپ مسکو- پادشاه خود مختار و تا دندان مسلح شمال افغانستان) و ریش استاد و زیرگلوئی عبدالله و رمه دزدان قاتل آمر صاحب پر حرمان!
و حال دویستان غمخور مسکوی ما در فکر اکملات سلاح اردوی ماست که البته عاقبتش هم همان آتش و همان کاسه زیرا پیشنهادات بورسها هم در راه است که برای فردا - خلی داکتر شرق - فیض محمد و محتاط و تنی و منگل و پنجشیری و بریالی و باز هم ببرک و حفیظ الله امین وتره کی و داکتر نجیب و هزار خادم دیگر را پر کاری کنند!
ایران و پاکستان که مرجع آمال عبدالله گل بوده و حتی جنده عرق پُر و مستعمل انتخابات خود را حیدری نژاد دیده در آبه گردنش زد تا در غازی سندیوم بر و گردن زن با افتخار افغان را شرم آلود سازد و چنین کرد و نه شرمید و نه شارید او که از ۵ سال بردگی کلب الدین در درب نیوران عبرت نگرفت و دست طمع به حیدری نژاد پیش کرد تا به لطف و کرم او رئیس جمهور شود. کرامت و محترم بودنش در کجاست؟

درینجا یک واقعیت مقایسوی تاریخ این سرزمین را قابل تذکر میدانم که بایست نسل ما و آیندگان از ان عبرت گیرند:

بعد از تحول ۲۶ سرطان و اعلان ریاست جمهوری شهید محمد داود خان - و ماندن مرحوم محمد ظاهر شاه پادشاه افغانستان در روم - تحولات زیادی رخ داده و یکی هم - مراجعه سفیر ایران به امر مرحوم محمد رضا شاه پهلوی بود که طبعاً شخص شاه او را ندید و یا مرحوم جنرال عبدالولی پسر کاکا - دامادش ملاقات کرد- پیشنهاد شاه ایران چنین بوده

۱ - اگر اعلیحضرت تصمیم برگشت به افغانستان و گرفتن زمام مجدد سلطنت را دارند- دولت و قدرت و سپاه ایران در خدمت شان است - وسایط برابر میشود و به ایران تشریف فرما میشوید تا رسیدن به کابل و گرفتن مکرر زمام دولت!

۲ - اگر قرار است به روم بمانید - برهر عمارت بزرگی که کفاف آبرومندانۀ اهل و بیت بزرگ خانوادۀ سلطنتی را بکند دست بگذارید که آنرا به اسم تان خریداری کنیم .

۳ - و هم ماهوار چه مقدار کمک پولی بکار دارید که منظم برای شما تحویل داده شود .

جواب با تشکر اعلیحضرت مرحوم ! از لطف شاهانه تشکر ولی من بحیث یک فرد افغان منتظر تصمیم دولت افغانستان میباشم ! **سوال اینجاست که پس خرج و زندگی چه سان براه افتاد-** در فروری ۲۰۰۲ و قبل ازینکه به کابل برگردم به روم به دیدن شان رفتم _ و خلاصتاً چنین شنیدم - در عین فرصت سفیر عربستان و با پیامی مگر محض کمک اقتصادی داشت که باز داماد شان با سفیر دید و بالاخره ازینکه زمین سخت و آسمان دُور و اقتصاد صفر بود - محض ماهوار ۲۰۰۰۰ دالر عربستان سعودی را با پناهنده بودن در روم پذیرفتند (که هر کس هرچه این حرف بکلی سچه ام را تعبیر کند اختیار دارد و دنگ دنگ آخرت خودش ولی یک حقیقت مسلم است که شخص شاه از دارایی خود درین سفر کوتا فقط ۱۲۰۰۰ دالر با خود داشتند و آرزوی بعضی خرید و بس !)

ولی مفهوم ذهن آن شاه فقید در مورد ایران این بود که من چطور برای اعاده سلطنت افغانی بزیر ریش و پشت پای دیگری آن هم ایرانی بایستم و چشم افغانیت و دیده جهان بینی حریت را بطرف آن راد مردان وطنم باز کنم که مرا لعنت بفرستند و شاه شجاع ثانی و آنهم نوکر ایرانی بنامند ! که شما خود قضاوت کنید که تفاوت راه از کجاست تا به کجا !!

ولی حال این دلچک سر کس همه جا - نا محترمانه به ملت افغان و نا مبارکانه بنام انسانیت و خانانان به پرستیج اسلامیت و آدمیت و یاس این خاک و این نمک - مطلقاً مخالف قانون؛ انتخابات ملی مرتبۀ دوم را درحالی تحریم کرده اگر کم است یا زیاد؛ ملت افغان برای پوشاندن عیب همچو انسانهای ارزان قیمت - درین سرما و طغیان عدم مصنوعیت و طی فواصل بیوسیلۀ باز هم تن به رأی دادن داده بودند ولی این بیمایۀ نا افغان دشمن راضی نگهدار - که نان و نمک دسترخوان مرحوم زمریالی با شخصیت حرامش باد ! بروی ملت افغان یا گذاشت تاهدایت بادارانش عملی شود!! که حتی سگ اصحاب کهف تذکر یافته در قرآن مبارک و فدا شده در راه مالکانش - برین اشرف المخلوقات دَد شده هزار مرتبه شرف دارد.

و این هم خبر بکلی تازه و مهم مستند و گرفته شده از **تول افغان** یخش مجدد در اخبار اول نوامبر ۲۰۰۹ افغان جرمن آنلین

عبدالله در هفته گذشته چندین سفر به هندوستان کرده است :

عبدالله عبدالله که در دور دوم انتخابات ریاست جمهوری یگانه کاندید رقیب حامد کرزی میباشد در جریان هفته گذشته چندین سفری به هندوستان داشته است . گفته میشود که دولت هند حامی عبدالله در انتخابات بوده و مبلغ ۶۰ میلیون دالر به او کمک کرده بود که قرار مسموع حال از آن مبلغ پولی نزد عبدالله نمانده تا کمپاین دور دوم را پیش ببرد و بدین مناسبت ؛ او بهانه تراشی میکند تا دور دوم انتخابات برگزار نشود. هنوز بکلی روشن نیست که

هدفش ازین سفرهای عاجل به هند چی بوده که ممکن بازهم از دولت هند طلب کمک میکرده و یا اینکه در آنجا با نمایندگان کشورهای دیگری که قبلاً به او در دور اول کمک کرده بودند (که ایران و روسیه میباشند) ملاقات کرده و طالب کمک شده باشد. میخواست که در دور دوم انتخابات برایش کمک کنند
عبدالله دیروز و امروز هم قصد سفر به هند را داشت که دفعتاً آن را لغو کرده است، ایران هم به عبدالله برای کمپاین انتخابات مبلغ ۳۲ میلیون دالر کمک کرده بود.
منابع معتبر میگویند که همچو کمکی به عبدالله از طرف هند ؛ پاکستان را شدیداً غصه مند ساخته و بهمین مناسبت است که پاکستان مناسبات خود را با رئیس جمهور افغانستان حامد کرزی بهتر ساخته و بازهم نزدیکتر شده اند.

پس ای هموطن ارجمندیکه خود را بيموجب در همچو لحاف کثیف مکروریک پیچانده و ازین شیاطین انسی حمایت میکنی؛ لطفاً به خود آ و با چشم باز خود و وطن و وطنداران بدبختت را دیده از راه منحرف شده برگرد و دامن اسلام با صفا و افغانیت با وقار و اتحاد واقعی زندگی ساز ملی و همگانی را بگیر تا با لطف خدا و همت والای متحدانه همگانی بسر منزل مقصود برسیم.

پس دوست محترم - اگر عبدالله همین است و چهره اش هویدا ؛ محترم بودنش در کجایش و تغییر آنی در کدام عمل بی سابقه مشهودش نهفته بوده است که ارزش تذکر محترم را با تغییر آنی به او داشته باشد. شخصاً نه رأی دهنده ام و نه رأی طلب. ولی همین قدر راباز و تکرار قابل تذکر میدانم که درین مرحله تاریخ و قلت فرد واقعی بدرد خور و معالج راستین وطن و وطنداران - سگ جناب کرزی با ناموس و با شخصیت بر همچو یک انسان چهره دونیکه که ناموس افغان نزدش ارزش ندارد و آبروی من و تو و ما را به فحشا میفروشد تا چه رسد به جاسوسی و یغما گری بهر در و بام ----- هرگز و هرگز قابل مقایسه نمیدانم و باید ندانیم! باسلام مجدد.